



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۹/۱۰/۳۰

عبدالقیوم میرزاده

ملت منافع ملی دولت – ملت در افغانستان

به ادامه گذشته (قسمت بیست و هفتم)

معضل بیکاری و اشتغال

بیکاری در کشور ما یکی از معضلات بسیار خطرناکی دیگر بیست که هم امنیت عمومی کشور هم اقتصاد و هم روابط اجتماعی شدیداً از آن متأثر میباشد. با وصف آنکه کدام احصاییه معتبر در زمینه وجود ندارد با آنهم اکنون ادارات احصائیه رقم ۲۳۰۰۰۰۰ دو میلیون سیصد هزار بیکار را از مجموع افراد واجد شرایط کار در کشور را ارائه میدهند که رقم ۲۳٪ بیکاری را از مجموع افراد واجد شرایط کار که بر اساس آمار های منتشره دولت افغانستان ده میلیون تخمین زده شده است نشان میدهد که همچنان سالانه حدود ۵۰۰ هزار نفر از صنف ۱۲ مکاتب و موسسات تحصیلات عالی فارغ شده و به رقم بیکاران افزوده میشوند در حالیکه اداره کار و امور اجتماعی در سال ۱۳۹۵ (۲۰۱۶) از خالی بودن حدود ۲۵ هزار محل کار در ادارات دولتی حکایت دارد. اما اداره ملل متحد و بانک جهانی رقم بیکاران در افغانستان را سه میلیون نفر گزارش میدهند که در هر دو رقم ارائه شده زنان شامل نیستند، اگر زنان در امور اجتماعی و اقتصاد جامعه فعال گردند این آمار دو برابر افزایش پیدا میکند. که به گزارش ادارات حکومت افغانستان و اداره مهاجرت سازمان ملل متحد بازگشت مهاجرین از کشور های پاکستان و ایران به افغانستان پیوسته به این

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولی

معضل موثر بوده است. دولت این معضله را به دو فکتور اساسی برگشت مهاجرین از کشور های پاکستان و ایران و از بین رفتن محلات کار در ساحات تحت نفوذ طالبان ارتباط داده و از زیر بار مسئولیت شانه خالی میکند، در حالیکه در اثر جنگهای فرسایشی چهار دهه اخیر بر اساس آمار منتشره اداره ملل متحد بین ۸۵ تا ۹۲ % هستی کشور به شمول چراگاه ها، زمین های زراعتی، سیستم آبیاری سنتی ومدرن کاملاً تخریب شده که برای اعمار مجدد این همه خرابه ها نه تنها تمام افراد مستعد نفوس افغانستان به کار گماشته میشد بلکه دو برابر آن به نیروی کار نیازمند میبودیم، اما با تأسف بنابر عدم مدیریت سالم اقتصادی، فهم کاملاً وارونه و نا درست از سیستم اقتصاد بازار از دولت گرفته تا سرمایه دار وصاحبان فابریکه ها ومردم همه وهمه به بیراهه رفتند. اداره دولت و ارگانهای امور اقتصاد در عرصه مکلفیت ومسئولیت شان بر طبق مواد قانون اساسی کشور مبنی بر تأمین کار ومعیشت برای مردم کاملاً منفعیل شده ودر این عرصه خلای مسئولیت ایجاد گردید.

بر اساس آمار داده شده بانک جهانی واداره اقتصاد افغانستان در سال ۲۰۱۵ در نتیجه همین بیکاری، پاهین بودن سطح درآمد ها، مدیریت نا سالم امور اقتصادی کشور، نبود سیستم منظم آبرسانی وآبیاری برای زارعین، تفاوت فاحش زنده گی شهری وروستایی وبزرگتر شدن روزتا روز فاصله میان ایشاردارا ونادار ۳۶ % مردم ما در زیر خط فقر زنده گی میکنند، اداره ملل متحد این اصطلاح را به کسانی ابلاغ میکند که عواید روزانه کمتر از یک دالر داشته باشند. دلایل بیکاری هرچه باشد دولت مکلفیت دارد تا در تفاهم با سرمایه داران ملی، صاحبان کارخانه های تولیدی، مالکین صنایع کوچک وظریف، مدیران امور اقتصاد و زراعت کشور، مسئولین اتحادیه های پیشه وران وسایر اصناف محلات کار ایجاد ونرخ بیکاری را در کشور کاهش دهند زیرا این معضل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بوده ومستقیماً امنیت عمومی کشور را تهدید میکند. یقیناً افراد بیکار یک جامعه در شرایطی که روحیه وطندوستی ومنافع ملی هم بلند بسیار آسیب پذیر بوده و برای هر کاری در ادای دریافت پول آماده میباشند آنهم در وضعیت موجود که همسایگان و سایر متجاوزین و دشمنان کشور ما که چون گرگان طماع برای تخریب کشور ما در کمین نشسته وبرای تحقق اهداف شان از هر نوع امکان بهره برداری میکنند. همچنان موجودیت نرخ بالای بیکاری در میان جوانان وقشر تحصیل یافته ومتخصص آنهم در کشوری که در گوشه وکنار آن جنگ بیداد میکند، حتی رئیس جمهور از رفت وآمد هلیکوپتر های نا شناس در گوشه وکنار کشور شکوه کرده وخود را چون فرد نا توان وبیچاره جلوه میدهد، مافیایی ها وجنگ سالاران مردم وهست وبود شانرا می چاپند، دستگاه تبلیغات سازمانهای استخبارات خارجی در گوش مردم آینده تاریک را زمزمه میکنند، جوانان دیپلوم بدست در بدر دنبال کار میگردند به فرار مغز ها وتخلیه کشور از افراد متخصص منجر میگردند. این جریان هم یکی از اهداف استیلا گران میباشد، که از یکطرف میلیارد ها دالر ثروت در تربیه وتحصیل و تخصص فرزندان این کشور صرف گرددواز طرف دیگر قشر آگاه جامعه که از تحصیل فارغ واکنون زمان مناسب برای آبادانی کشور، تفکر سالم واحساس مسئولیت نسبت به وطن پیدا کرده است را از کشور مجبور به فرار گردانند. زیرا افراد آگاه وروشنفکر جامعه همیشه خار چشم استیلا گران بوده ومیباشند، این پروسه در کشور ما تا کنون چندین بار به تکرار گرفته شده است، تأثیرات روانی بیکاری از همه مهمتر جامعه را تهدید میکند، زیرا افرادی که توانمندی کار را دارند واز آنها کار گرفته نمیشود وبیچاره شدن یک فرد توانمند که نتواند مسئولیت های اجتماعی، پدری وفرزندی اش را به جامعه و خانواده انجام دهد از یکطرف اعتماد به نفس خویش را از دست داده ودر زیر فشار روانی به فرد عصبی ومریض تبدیل میگردد و در چنین حالت اختلال روانی برای هر عمل خرابکارانه مساعد میگردد، گذشته از همه این پیامد های منفی بیکاری عبارت از ضیاع بی بازگشت منابع بسیار پر ارزش کار میباشد که اگر هر ساعت قیمت کاریک فرد را ضرب یک واحد پولی کنیم واین را ضرب در تعداد روز ها وسالهایی که یک فرد تحصیل یافته ویا سایر بیکاران بیکار میماند وضرب در تعداد مجموع حقیقی بیکاران که در کشور وجود دارند کنیم ببینید چه یک رقم درشتی از منابع موجود کشور خویش را رایگان ازدست میدهیم در پهلوی آن اگر این افراد بیکار، متخصصین وتحصیل یافتگان مصروف کار تولید واعماردر کشور میبودند، ارزش حقیقی ثمره کار آنها که عبارت از تولید نا خالص ملی میباشد هم به آن افزود گردد، آنگاه است که به مفهوم واقعی بیکاری پی خواهید برد که چه درون مایه وارزش بزرگ ملی را ما داریم از دست میدهیم وهمچنان اگر این بیکاران در صف مخالفین ودشمنان کشور قرار گیرند و در اثر فعالیت خرابکارانه ودشنت افکنانه به اقتصاد ملی ضربه وارد کنند حاصل جمع این عدد هم در حاصل ضرب عدد بالا افزود میگردد. کوتاه سخن بیکاری در کشور ما به معنی حقیقی خانه خرابی میباشد. به این سبب خواستم این مسئله با اهمیت را هم با شما دوستداران افغانستان عزیزدر میان گذاشته ومکتی در این باب کنیم.

در مباحث اقتصاد بیکاری را عدم استفاده کامل از نیروی کار تعریف میکنند وبیکارر ا کسی که دارای توانمندی کار بوده و در جستجوی کار هم باشد ولی کار پیدا کرده نتواند معرفی میکند. بیکاری انواع مختلف مانند بیکاری موسمی، ساختاری، ادواری، اصطکاکی و بیکاری مخفی داشته که در اوضاع کشور ما بیکاری های ساختاری ومخفی از خطرناکترین نوع بیکاری میباشد. بیکاری ساختاری به بیکاری گفته میشود که در اثر عدم تقاضا به تولیدات موسسات صنعتی وزراعتی موسسه تعطیل گردد و افراد شاغل آن بیکار گردند، در کشور ما متأسفانه بنابر عدم موجودیت حمایت قانونی از صنایع مصرفی ملی نوپا و ورود سیل آسای صنایع مصرفی از خارج کشور بویژه کشور های

همسایه چون ایران و پاکستان صنایع داخلی نمیتوانند در برابر این غول های تولیدی رقابت کنند این امر باعث میگردد که فابریکه ها و موسسات صنعتی ما به رکود مواجه شده و کارگران و کارمندان به سیل بیکاران کشور بیافزایند و بیکاری مخفی به بیکاری اطلاق میگردد که عده کثیری از افراد واجد شرایط کار جامعه در کاری مصروف باشند که با عده بسیار کمتری از شاغلین کار میتوان آنرا انجام داد، این نوع بیکاری که در ظاهر امر نیروی فعال را به کار گماشته اند و ادارات اقتصادی آنان را از لست بیکاران حذف کرده اند در حالیکه حاصل تولید شان صفر میباشد. این نوع بیکاری خطرناک در افغانستان در ساحات زراعت، اصناف و سکتور دولتی وجود دارد. عده کثیری از مردم در سکتور زراعت خود را شاغل قلمداد میکنند در حالیکه هیچ حاصلی از تولید زراعتی ندارند، همچنان در سکتور های مختلف اصناف در شهر ها هزاران و ده ها هزار نفر در صنف هایی از بازار مشغول اند که برای امتعه خویش متقاضی ندارند و در سکتور دولتی عده بیشماری از منسوبین به کاری مصروف اند که تعدادی به مراتب کمتری از شاغلین میتوانند آنرا انجام دهند یعنی بازده کار صد نفر معادل بازده کار ده نفر میباشد که البته موضوع بحث ما کنکاش حرفی سکتور اقتصاد نبوده بلکه نمایاندن گوشه های خطرناک و مخرب امور اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی کشور بوده تا از پیامد های مخرب آنها که تا کنون ما را به سیاه چال بدبختی های بسیار ریشه دار انداخته و آفت های بیشماری را دامنگیر مان کرده است پی برده و چاره ای بجوییم تا از این مصیبت خود و مردم خویش را نجات داده و در شاهراه امنیت و رفاه رهنمون گردیم. (پایان قسمت بیست و هفتم)

ادامه دارد